

پژوهشی در قرائت ابی بن کعب و تطبیق آن با قرائت مشهور*

محمد فاکر میبدی** و باقر ریاحی مهر*** و سید محمد سلطانی****

چکیده

نوشتار حاضر با بهره جستن از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی شخصیت و جایگاه علمی اُبی بن کعب، ویژگی های مصحف وی و میزان تأثیرگذاری آن بر قرائت حفص از عاصم و تطابق این دو پرداخته است. بررسی مجموع داده های تاریخی - حدیثی و آگاهی های علوم قرآنی نشان می دهد که قرائت اُبی نه تنها جایگاه والایی در نزد عالمان علم قرائت داشته، بلکه اهل بیت علیهم السلام شیوه قرائت خود را مطابق با آن دانسته اند. روایت شش تن از قرائ سبعه در نهایت به قرائت او باز می گردد که این امر به ضوح نشان گر تأثیر گسترده او بر قرائت مشهور است. با بررسی شواهد موافق و مخالف تطابق قرائت اُبی با روایت حفص از عاصم می توان ادعا نمود این دو قرائت به میزان بسیار زیادی تطابق داشته و با قرائت مشهور مسلمین هم خوان است. گزارش هایی از تفاوت سوره های موجود در مصحف اُبی با مصحف رسمی وجود دارد که قابل نقد سندی و تأویل محتوایی است؛ اما وجود اختلاف های جزئی زیاد میان مصحف اُبی و قرائت حفص از عاصم با توجه به گزارش های متعدد در منابع گوناگون، قابل انکار و یا توجیه نیست.

واژگان کلیدی: قرآن، قرائات، اُبی بن کعب، قرائت حفص از عاصم، قراء سبعه، جمع قرآن، مصحف عثمانی.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۳۰ و تاریخ تأیید: ۹۸/۴/۲۵.

** . استاد جامعه المصطفی العالمیه: (M_faker@miu.ac.ir).

***. دانش آموخته دکتری قرآن و مستشرقان جامعه المصطفی العالمیه - نویسنده مسئول (Dr.riahi@chmail.ir).

****. دانش آموخته دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقر العلوم (s.mohammad.soltani@gmail.com).

مقدمه

قرائت قرآن یکی از مهم‌ترین شاخه‌های علوم قرآنی به‌شمار می‌رود، به‌طوری که از همان ادوار نخستین، پیوسته عده‌ای به این امر همت گماشته و عهده‌دار قرائت قرآن و تعلیم آن در جامعه اسلامی بوده‌اند. پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ارائه نشدن مصحف رسمی، گروهی از اصحاب به جمع‌آوری قرآن در مصحف و یا مصحف‌هایی دست زدند. گزارش‌هایی وجود دارد که صحابه درباره ضبط نصّی از قرآن و یا چگونگی قرائت آن، با یکدیگر اختلاف داشته‌اند و در نتیجه مردم هر منطقه از مناطق جهان اسلام، قرآن را بر حسب مصحف آن صحابی که نزد آنان به‌سر می‌برد، قرائت می‌کردند. مردم کوفه، قرائت ابن مسعود، اهل بصره قرائت ابوموسی اشعری و شامیان قرائت ابی بن کعب را پذیرفته بودند و دیگر مناطق نیز از قرائت موجود در مصحف یکی از صحابه تبعیت می‌کردند (عیاشی، تفسیر عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/ ۲۴۵ و ۲۵۷؛ حویزی، نورالثقلین، ۱۴۱۲: ۱/ ۳۸۸؛ قمی، تفسیر قمی، ۱۴۰۴: ۱/ ۱۲۳).

از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی در رابطه با علم قرائات، یکسان‌سازی قرائت‌های قرآن در زمان عثمان (م ۳۵ ق) است. این مصحف رسمی در سال ۲۵ ق شکل گرفت و به شهرهای مختلف سرزمین اسلامی فرستاده شد. اعمال قدرت از سوی حاکمیت سبب شد تا به تدریج جایگاه بدون رقیبی برای مصحف رسمی عثمانی پدید آمد و از دامنه اختلافات در قرائت قرآن به وفور کاسته شد، اما باز هم فقدان نقطه، اعراب، الف وسط و اغلاط رسم الخطی در مصاحف رسمی و اختلافات لهجه‌های مناطق مختلف، مجال اختلافاتی چند در چارچوب رسم الخط مصحف را باقی گذاشت. به این صورت در قرن دوم، قاریان بزرگی همچون عاصم، حمزه، کسائی، ابن کثیر، ابو عمرو، نافع و ابن عامر ظهور کردند که گرچه در قرائت ایشان، مبنا همان مصحف رسمی (عثمانی) بود؛ اما در مواضع فاقد نقطه، اعراب و الف‌های وسط اختلافات فراوان داشتند که با اختلاف لهجه‌ها دامنه گسترده‌تری می‌یافت (نجفی، کارکرد قرائت ابی ابن کعب، ۱۳۹۴: ۱۲۲).

در میان قرائت‌های صحابه مختلف، قرائت اُبی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چراکه نه تنها در برخی از روایات اهل بیت علیهم السلام مورد تأیید قرار گرفته، بلکه در برخی روایات، قرائت اُبی همان قرائت امامان علیهم السلام معرفی شده است (کلینی، کافی، ۱۴۲۹: ۴/ ۶۷۴، ح ۳۵۹۶) به نظر می‌رسد این روایات اشاره به دوران یکسان شدن مصحف‌ها در عهد عثمان داشته باشد که گفته شده است اُبی بن کعب قرآن را املاء نموده و گروهی آن را می‌نوشتند. این نکته نشان می‌دهد

که مصحف موجود که مورد قبول عموم مسلمانان است، طبق املاء ابی بن کعب است. این نوشتار درصدد است تا جایگاه فراموش شده ابی بن کعب در علم قرائات را یادآوری نموده و تأثیر قرائت وی را بر قرائت مشهور در نزد امامیه به بحث و تحقیق بگذارد.

معناشناسی قرائت

۱. معنای لغوی

در لغت برای واژه «قرائت» دو معنا بیان شده است:

الف) جمع کردن و پیوستن: طبق این معنا قرائت در اصل به معنای خواندن نیست؛ بلکه از آن رو که قاری در هنگام خواندن قرآن حروف و کلمات آن را به یکدیگر ضمیمه می‌کند، از این کلمه برای افاده معنای خواندن استفاده شده است (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴: ۷۸/۵؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۱/۱۲۸؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۶۶۸).

ب) خواندن و تلاوت کردن (صالح، مباحث فی علوم القرآن، ۱۳۷۲: ۱۹؛ سبزواری، لغت‌نامه قرآن کریم، ۱۳۷۸: ۴/۴۱۹): بر این اساس خواندن معنای اصلی قرأ است؛ نه معنای لازمی آن.

علامه عسکری با استشهاد به استعمالات واژه «قرائت» در قرآن، روایات و کاربرد آن در زمان صحابه، این واژه را به معنای «خواندن همراه با فهم معنای آیات» دانسته است و مقرر را در زمان رسول الله ﷺ شخصی معرفی می‌کند که قرآن را همراه با تفسیر آیات به دیگران می‌آموخت (فضلی، القرائات القرآنیة، ۱۴۰۵: ۵۶).

۲. معنای اصطلاحی

در کتاب‌های قرائات، تعاریف متعدد و متنوعی برای اصطلاح قرائات بیان شده است که تعدادی از آنها را در ادامه بیان می‌کنیم:

ابن جزری قرائات را علم به چگونگی تلفظ کلمات قرآن و اختلاف آن کلمات در حالی که به ناقلش نسبت داده شده است، می‌داند (ابن الجزری، منجد المقرئین، ۱۴۱۹: ۴۹)؛ اما زرکشی قرائات را اختلاف الفاظ وحی نازل شده بر پیامبر از جهت نوشتن حروف و کیفیت آنها از قبیل تخفیف، تثقیل و امثال آنان که از سوی قراء نقل شده است، بیان می‌کند (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۰۸: ۴۶۵).

دمیاطی علم قرائت را علمی می‌داند که از طریق آن اتفاق یا اختلاف نظر ناقلاً کتاب خدا در حذف و اثبات، متحرک و ثابت خواندن، فصل و وصل حروف و کلمات و امثال این امور از قبیل کیفیت تلفظ و جابه‌جایی الفاظ و ... از طریق سماع دانسته می‌شود (دمیاطی، اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الاربعه عشر، ۱۴۲۲: ۶). قسطنی نیز نظری هم‌سو با دمیاطی ابراز داشته است (قطسانی، لطائف الإشارات لفنون القرائات، ۱۳۲۹: ۱/ ۱۷۰).

عبدالهادی فضلی در این باره بر آن است که قرائت عبارت است از بازگویی الفاظ قرآن همان‌گونه که پیامبر اکرم خود تلفظ فرموده است یا در محضر مبارکش تلفظ شده و ایشان تقریر کرده‌اند؛ خواه یک قرائت باشد و یا قرائت‌های متعدد (فضلی، القرائات القرآنیة، ۱۴۰۵: ۵۶).

از جمله تعریف‌های جدیدی که در این زمینه ارائه شده است، تعریف ذیل است: علم قرائت عبارت است از علم به ادای کلمات قرآن به گونه‌ای که بر پیامبر نازل شده و آن حضرت آن را می‌خوانده است یا اجازه قرائت آن را داده است (فاکر میبیدی، نقد دیدگاه رژی بلاشر در قرائت قرآن، ۱۳۹۰: ۹۵).

این تعریف از آن جهت که درصدد معرفی علم قرائت به گونه عام است، می‌تواند تعریفی نسبتاً جامع باشد، اما قرائت در میان دانشمندان علوم قرآنی، اصطلاحی است که تنها قسمی خاص از آنچه در تعریف علم قرائت آمده را شامل می‌شود، چرا که در تعریف اصطلاحی قرائت، سند و روایت، به معنای نقل نوعی خاص از قرائت با استناد به قرائت رسول خدا رکن اصلی تعریف به شمار می‌رود. به همین دلیل قرائتی که سند و روایت ندارد، اگرچه از لحاظ ادبی نیز وجهی صحیح داشته باشد، از دایره بحث خارج است.

تحلیل نظرات پیرامون معنای اصطلاحی

الف) «قرائات» و «علم قرائات» دو اصطلاح متفاوت هستند که هریک از تعاریف فوق ناظر به یکی از این دو اصطلاح است؛ تعریفی که دمیاطی و قسطلانی ارائه کرده‌اند مربوط به علم قرائات است و تعریفی که ابن جزری، زرکشی و فضلی بیان کرده‌اند و نیز تعریف آخر، قرائات را معرفی می‌کند. با توجه به تعاریف بالا قرائت عبارت است از تلاش یک شخص برای دستیابی به قرائت پیامبر از طریق سماع و نقل، و علم قرائات عبارت است از جمع‌آوری قرائات وارده از طرق مختلف و بررسی و نقد آن‌ها. البته باید توجه داشت که این تعاریف - چه تعاریفی که ناظر به قرائات هستند و چه تعاریفی که ناظر به علم قرائات هستند - تفاوت ماهوی درباره شروط و نکات مربوط به قرائت ندارند؛ از این رو می‌توان از هر دو قسم تعاریف به این امور واقف شد.

ب) در تمام تعاریف، سماع و شنیدن رکن اساسی در قرائت است؛ یعنی قاریان باید عیناً قرائت پیامبر را انتقال دهند و حق اجتهاد در نحوه ادای کلمات و الفاظ از جانب خود را ندارند، چرا که هدف ایشان دستیابی به قرائت رسول الله ﷺ و چگونگی ادای کلمات توسط آن حضرت است. به عبارت دیگر از آن جا که فلسفه دانش قرائات محفوظ ماندن الفاظ قرآن و چگونگی تلفظ آنها است، قاری باید از هر گونه تغییر و تحریف پرهیز کند و حق دخل و تصرف را در آن ندارد (فاکر میبیدی، نقد دیدگاه بلاشر در قرائات قرآن، ۱۳۹۱: ۲۴۳). این معنا در بیان برخی صحابه نیز بیان شده است و در کتاب‌های تفسیری کاملاً پذیرفته شده است؛ به عنوان مثال با تعابیر مختلف از زید بن ثابت نقل شده است که قرائت را سنتی دانسته است که باید از طریق شنیدن به آن علم پیدا کرد (هروی، فضائل القرآن، ۱۴۲۶: ۱۲۸؛ ابن الجزری، غایه النهایه فی طبقات القراء، بی تا: ۴۰/۱) همچنین تعبیر «القراءة السنية» یا «القراءة المتبعة» تعبیری رایج در تفاسیر شیعه و اهل سنت است (طوسی، التبیان، ۱۴۱۳: ۱۰۹/۳؛ طبرسی، مجمع البیان، بی تا: ۲۳۷/۱؛ آلوسی، روح المعانی، ۱۴۰۴: ۱۱/۲۸۷).

ج) در برخی تعاریف مانند تعریف زرکشی قرائات منحصر به آن دسته از الفاظ قرآن کریم شده است که در نحوه خواندن آنها اختلاف است، در حالی که دایره علم قرائات شامل موارد غیر اختلافی نیز می شود و در تعریف دمیاطی این نکته مورد توجه بوده است و از همین روست که دانشمندان قرائت درباره قرائات وارده از الفاظ قرآن، از دو اصطلاح «متفق علیه بین القراء» و «مختلف فیه بین القراء» استفاده می کنند (دمیاطی، اتحاف فضلا الشر فی القرائات الاربعه عشر، ۱۴۲۲: ۳۱، ۷۲ و ۷۴) بنابراین قرائات غیر از اختلاف قرائات است؛ قرائات ناظر به تعدد قرائت منسوب به هر یک از قراء است، اعم از این که متفق علیه باشد یا مختلف فیه، ولی اختلاف قرائات ناظر به قرائاتی است که مختلف فیه باشد.

د) این که برخی گمان کرده اند اختلاف قرائات، منحصر در هیأت الفاظ و کلمات است، نه ماده آنها (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۵: ۱۵۷-۱۵۸) صحیح نیست؛ زیرا در برخی تعاریف مانند تعاریف دمیاطی و قسطنانی و نیز با مراجعه به وجوه اختلاف قرائات به دست می آید که اختلاف قرائات منحصر در هیأت الفاظ نیست، اگرچه در برخی تعاریف مانند تعریف ابن جزری و زرکشی صریحاً به آن اشاره نشده است.

امتیاز دو تعریف آخر این است که در آن به نظر اهل سنت و شیعه توجه شده است؛ چرا که اهل سنت قائل به تعدد قرائات از جانب خداوند هستند و شیعه قائل به قرائت واحد است و در این تعاریف به هر دو نظر توجه شده است.

معرفی ابی بن کعب و اهمیت مصحف و قرائت او

با توجه به اهمیت شناخت شخصیت ابی بن کعب، جایگاه علمی او به ویژه در علم قرائات و نیز قرائت و مصحف منسوب به او، در این بخش به اختصار به تبیین این مسایل پرداخته شده است.

۱. معرفی شخصیت و جایگاه علمی ابی بن کعب

ابی بن کعب بن قیس بن عبید بن زید بن معاویه بن عمرو بن مالک بن نجار از اصحاب برجسته پیامبر است که شهرت وی بیشتر به سبب انتساب قرائتی مشهور به اوست (امین، اعیان الشیعه، بی تا: ۴۵۵/۲؛ احمدیان، الصحابه الکرام، ۱۴۳۷: ۳۶/۱) او به کنیه های اُبانذر و اُباطفیل مشهور بوده (ابن عبدالبر، الاستیعاب، ۱۴۱۲: ۶۶/۱) که گفته می شود کنیه اول را پیامبر ﷺ و کنیه دوم را عمر بن خطاب به او اعطا نموده است (احمدیان، الصحابه الکرامه، ۱۴۳۷: ۳۷/۱). او به عنوان یکی از انصار خزرجی در پیمان عقبه دوم حضور داشته است (ابن کثیر، البدایه و النهایه، ۱۴۰۸: ۵/۱۴۵۰). از زندگی پیش از اسلام او اطلاع چندانی در دست نیست، جز آنکه از دانشمندان قوم یهود و آشنا با کتب عهدین معرفی شده است (ذهبی، تذکره الحفاظ، ۱۴۲۸: ۱۵/۱).

أبی را در میان معدود افراد قادر بر خواندن و نوشتن در دوره جاهلیت و از کاتبان وحی پیامبر نیز برشمرده اند، که در غیاب امام علی (علیه السلام) همراه با زید بن ثابت کتابت وحی و دبیری پیامبر ﷺ را نیز عهده دار بوده است (ابن کثیر، البدایه و النهایه، ۱۴۰۸: ۵/۱۴۵۰).

پیامبر پس از هجرت میان او و سعید بن زید عمرو و به قولی میان او و طلحه بن عبیدالله پیمان برادری برقرار کرد و از آن پس او در غزوات بدر و احد و خندق و دیگر مکان ها به همراه پیامبر بود (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۴۱۰: ۳/۳۷۸). همچنین او در سریه ای که در آغاز هفتمین ماه هجرت به فرماندهی حمزه بن عبدالمطلب روی داد، شرکت داشت (واقعی، ۱۴۰۹: ۹/۱).

او قبل از زید بن ثابت کاتب وحی بود و گاه پیامبر او را مأمور می کرد به تازه مسلمانان، مانند وفد عامر و وفد بنی حنیفه که به مدینه آمدند، احکام اسلام و قرآن را تعلیم دهد (ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، بی تا: ۵۶/۲). أبی بن کعب پس از رحلت پیامبر نیز همواره به تعلیم قرآن در مدینه اشتغال داشت و مشاهیری چون ابن عباس، ابوهریره، و عبدالله بن سائب از صحابه و عبدالله بن

عیاش بن ابی ربیع، ابوعبدالرحمن سلمی و ابوعالیه رباحی از تابعین از وی قرائت آموختند (جزری، ۱۳۶۷: ج ۱، ۳۱) بنابر برخی گزارشات او در جمع قرآن در زمان عثمان نیز مشارکت داشته است (ابن حجر، ۱۴۱۵: ج ۱، ۱۸۸؛ عبدالصبور، تاریخ قرآن، ۱۴۲۶: ۱۷۸).

در آثار مختلف تفسیری از جمله مجمع البیان طبرسی و کشف الاسرار میبندی روایاتی در فضیلت سوره‌های مختلف قرآن به نقل از ابی بن کعب وارد شده است که شاید با نسخه منسوب به ابی بن کعب در موضوع «فضائل القرآن» که ابن ندیم از آن یاد کرده (ابن ندیم، الفهرست، ۱۳۹۸: ۵۵) بی‌ارتباط نباشد. هم‌چنین نسخه‌ای بزرگ در تفسیر قرآن به روایت ابوجعفر رازی از ربیع بن انس از ابوالعالیه از ابی بن کعب در سده‌های نخستین متداول بوده و مورد استفاده طبری در تفسیر، ابن ابی حاتم در تفسیر، احمد بن حنبل در مسند و حاکم نیشابوری در مستدرک قرار گرفته است (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۲۱: ۴/ ۲۴۰).

در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است که قرآن را از چهار نفر فرا بگیرید: «عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب، معاذ بن جبل و سالم مولی ابی حذیفه» (ابوعبید، فضائل القرآن، ۱۴۲۶: ۱۳۸). در روایتی دیگر از پیامبر، ابی مهم‌ترین قاری صحابه معرفی می‌شود: «أقرأهم للقرآن ابی بن کعب»؛ (همان، ۱۳۹۹) شاید به این سبب است که برخی نظیر عبدالرزاق طرابلسی از ابی با تعبیر «أقرأ هذه الأمة علی الإطلاق»؛ «مهم‌ترین قاری این امت به نحو اطلاق» یاد کرده‌اند (طرابلسی، نهاییه الغایه، ۱۴۳۱: ۱/ ۴۷). هرچند نمی‌توان به سادگی از جهت‌گیری سیاسی این‌گونه روایات در کنار گذاشتن اهل بیت (علیهم‌السلام) و نادیده انگاشتن مقام علمی بی‌نظیرش چشم‌پوشی نمود.

با این حال، موضع‌گیری سیاسی خود ابی بن کعب به اهل بیت (علیهم‌السلام) بسیار نزدیک بوده است. منابع شیعی او را در میان دوازده نفری که در پای منبر ابوبکر به غصب ولایت امیرالمؤمنین اعتراض کردند، برشمرده‌اند (طبرسی، الاحتجاج، ۱۴۰۳: ۱/ ۱۰۲). هم‌چنین از او نقل شده که گفته است: «أشهد أني سمعت النبي يقول: علی بن ابی طالب إمامكم بعدی و هو ناصح أمتی» (شوشتری، ۱۴۲۵: ج ۱، ۳۵۲)؛ «شهادت می‌دهم که شنیدم پیامبر فرمود: علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) امام بعد از من است و او دل‌سوز برای امت من است». خطبه‌ای مفصل نیز از او در دفاع از خلافت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نقل شده است (طبرسی، الاحتجاج، ۱۴۰۳: ۱/ ۲۹۷-۳۰۳).

تاریخ وفات او را از سال ۱۹ تا ۳۶ هجری و محل قبر او را در مدینه و یا شام می‌دانند (ابن عبدالبر، الإستیعاب، ۱۴۱۲: ۱/ ۶۹).

۲-۳. معرفی مصحف و قرائت ابی بن کعب

ابی بن کعب از جمله چند نفری بود که در زمان پیامبر قرآن را جمع نمود و مصحفی برای خود فراهم آورد (ابن حجر، فضائل القرآن، ۲۰۰۳: ۱۱۳).
ابن شهر آشوب قرائت ابی را به دلیل آنکه وی قرائت اصیل و معتبر را دارد، ترجیح می‌دهد (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۹: ۴۳/۲). علامه معرفت قرائت عاصم را قرائت منتخب تمامی عالمان بزرگ شیعی می‌داند و این عمل ایشان را به خاطر تطبیق دقیق و کامل قرائت ابی بر قرائت قریش ارزیابی می‌کند (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۲/۲۲۴).
نکته حائز اهمیت در مورد قرائت ابی، اتصال سند قرائت شش تن از قاریان هفت‌گانه مشهور به اوست. این افراد عبارتند از:

۱. نافع بن ابی نعیم: او بر هفتاد تن از تابعین قرائت کرد که مهم‌ترین آنان سعید بن مسیب است که وی نیز بر ابن عباس و ابوهریره و عبدالله بن عیاش بن ابی ربیعۃ مخزومی قرائت کرد. همه این سه نفر نیز بر ابی بن کعب قرائت کرده‌اند (همان، ۱۱۲)؛
 ۲. عبدالله بن کثیر: او بر عبدالله بن سائب، مجاهد بن جبر المکی و درباس، بنده آزاد شده ابن عباس، قرائت کرده و ابن عباس و ابن سائب هم بر ابی بن کعب (همان، ۱۲۰)؛
 ۳. ابو عمرو بن علاء: او از کسانی است که ابوالعالیه ریاحی بر آنان قرائت کرده که او هم بر ابی بن کعب قرائت نموده است (همان، ۱۳۰)؛
 ۴. عاصم بن ابی النجود: او بر ابو عبدالرحمان سلمی قرائت کرد و او بر ابی (همان، ۱۵۵)؛
 ۵. حمزه الزیات: او هم مثل عاصم با ابی ارتباط سندی دارد (همان، ۱۶۵)؛
 ۶. کسائی: او بر حمزه و نافع قرائت نمود و از طریق آن دو با ابی بن کعب اتصال سندی دارد (همان، ۱۷۲)؛
- مطابق روایتی در اصول کافی امام صادق (علیه السلام) به طور آشکار تنها قرائت ابی را تأیید و قرائت‌های دیگر را مردود و تابع آن را گمراه می‌خواند (کلینی، کافی، ۱۴۲۹: ۴/۶۷۴، ح ۳۵۹۶).

معرفی روایت حفص از عاصم و اهمیت آن در علم قرائات

بررسی شواهد و مستندات تاریخی نشان می‌دهد، آنچه در قرن دوم به عنوان قرائت رسمی حداقل نزد صاحبان فن قرائت چون فراء، اخفش، ابو عبیده معمر بن مثنی و ابن خالویه شهرت یافته، همان قرائتی بوده است که امروزه روایت حفص از عاصم خوانده می‌شود (فاکر میبیدی، نقد دیدگاه، ۱۳۹۰: ۱۱۲). این قرائت از اهمیتی خاصی برخوردار است که لازم است در کنار شخصیت دو چهره اصلی آن یعنی حفص و عاصم مورد توجه قرار گیرد.

۱. معرفی عاصم

ابوبکر عاصم ابی النجود بن بهدله از قراء طبقه سوم و از مردم کوفه است و پس از یحیی بن وثاب قرار دارد. او در سال ۷۶ق به دنیا آمد و قبل از واقعه طاعون در سال ۱۳۱ هـ - از دنیا رفت (محمّدی، تاریخ قرآن، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

ابن عیاش می‌گوید: «عاصم به من گفت: هیچ‌کس جز ابو عبدالرحمان حرفی از قرآن را برای من قرائت نکرد و من هر وقت که از پیش وی باز می‌گشتم، مسموعات خود را درباره قرآن به زر بن حبیش عرضه می‌کردم. ابو عبدالرحمان نیز قرائت را از علی (علیه السلام) و زر بن حبیش از عبدالله بن مسعود اخذ کرده بودند» (ذهبی، معرفه القراء الکبار علی الطبقات و الاعصار، بی‌تا: ۱/ ۷۵).

۲. معرفی حفص

حفص بن سلیمان بن مغیره اسدی، معروف به حفیص و غاضری، مقری و مشهورترین راوی قرائت عاصم می‌باشد. او که در سال ۹۰ متولد شد (همان، ۱/ ۱۴۰؛ ابن جزری، غایة النهایة فی طبقات القراء، بی‌تا: ۱/ ۱۵۶) از اهالی کوفه و بزاز بود. شرح حال نگاران کنیه‌اش را ابو عمر ذکر کرده‌اند (ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۱۴۱۵: ۲/ ۳۶۴). او فرزند همسر عاصم و در میان یاران و شاگردان عاصم از همه به قرائت او داناتر بود (ابن جزری، غایة النهایة، ۱۹۴۰: ۱/ ۱۵۶). ابن معین تنها روایت صحیح از قرائت عاصم را روایت حفص دانسته است که عاصم، با واسطه ابو عبدالرحمان سلمی (م ۷۴ یا ۷۵ ق)، از علی (علیه السلام) فرا گرفته بود (همان). حفص را در علم قرائت بر ابوبکر بن عیاش، دیگر راوی قرائت عاصم، ترجیح داده‌اند (دانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۴۰۴: ۶) و حتی او را داناترین فرد روزگارش به علم قرائت دانسته‌اند (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، بی‌تا: ۱/ ۲۵۴) ابن جزری از کسانی چون عبید بن صباح و عمرو بن صباح نام برده که قرائت را از او روایت کرده‌اند (همان، ۱/ ۲۵۴-۲۵۵). ابو عمرو دانی نگاشته است: «حفص کسی است که قرائت عاصم را برای مردم تلاوت می‌کرد و در ترویج آن می‌کوشید. او در بغداد و در مکه به آموزش قرائت عاصم همت گماشت» (معرفت، تاریخ قرآن، ۱۳۷۵ش: ۱۵۳-۱۵۲). ابن منادی نیز در این باره گفته است: «پیشینیان حفص را در حفظ و ضبط قرآن برتر از ابن عیاش می‌دانستند و او را به ضبط کامل قرائتی که از عاصم آموخته بود، توصیف کرده‌اند» (ابن جزری، غایة النهایة، بی‌تا: ۱/ ۱۵۶). حفص بن سلیمان، بنابر قول مشهور، در سال ۱۸۰ وفات یافت (ذهبی، معرفه القراء الکبار علی الطبقات و الاعصار، بی‌تا: ۱/ ۱۴۰) دانی وفات او را حدود ۱۹۰ ذکر کرده است (دانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۴۰۴: ۶).

۳. اهمیت قرائت حفص از عاصم

به تعبیر ابن خلکان: «عاصم در قرائت، مورد عنایت و توجه ویژه بوده است» (ابن خلکان، وفیات الاعیان، بی تا: ۹/۳، ش ۳۱۵). قاسم بن احمد خیاط (متوفی ۲۹۲ هـ) که از افراد حاذق و مورد وثوق بود، در قرائت عاصم، امام به شمار می آید و از این جهت مردم اتفاق بر آن داشتند تا قرائت او را بر دیگر قرائت ها ترجیح دهند (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، بی تا: ۱۱/۲). در ابتدای قرن چهارم، در جلسه قرائت ابن مجاهد قاری بغداد، پانزده تن متخصص قرائت عاصم وجود داشته است و ابن مجاهد تنها قرائت عاصم را به آنان تعلیم می داد (ذهبی، معرفه القراء الکبار علی الطبقات والاعصار، بی تا: ۱/۲۱۷) نفطویه، ابراهیم بن محمد که پنجاه سال آموزش قرائت را به عهده داشت، هر وقت که جلسه خود را آغاز می کرد، قرآن را به قرائت عاصم می خواند و پس از آن به قرائت های دیگر می پرداخت (ابن حجر، لسان المیزان، ۱۴۰۶: ۱/۱۰۹). احمد بن حنبل نیز قرائت عاصم را بر دیگر قرائت ها ترجیح می داد، زیرا مردم کوفه که اهل علم و فضیلت بودند، قرائت عاصم را پذیرفته بودند (ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۱۴۱۵: ۵/۳۹).

وجود کلمات و اصطلاحاتی چون «قراءة العامة»، «قراءة الجمهور»، «قراءة الناس» در هنگام توصیف این قرائت، به قرائت جمهور مردم اشاره می کند که بنابر مستندات موجود در کتاب های قرن دوم هجری قرائتی عمومی هم زمان با دوره پیدایش و شکل گیری قرائات سبع و در جایگاهی بالاتر بوده است، زیرا برخی چون کسانی این قرائت را در برخی موارد ملاک خود قرار داده، و یا آن را قرائت برتر دانسته اند (حسینی، ایروانی، بررسی تاریخی قرائة العامة، ۱۳۹۴: ۲۵). در غایة النهایة آمده است: «روایت حفص از عاصم، همان قرائت مشهور است که قرائت همه صحابه بوده و همواره در زمان پیامبر و پس از رحلت ایشان تاکنون به عنوان متن قرآن شناخته شده و قرائات مختلف با آن سنجیده شده اند» (ذهبی، معرفه القراء الکبار علی الطبقات والاعصار، بی تا: ۲۵۴).

متداول بودن قرائت حفص از عاصم به چند سبب است:

۱. سندی طلایی دارد، زیرا حفص از عاصم، او از عبدالرحمان سُلمی و او از امیر مؤمنان (علیه السلام) نقل کرده است. رجال آن تماماً از بزرگان طایفه و مورد اطمینان هستند؛
۲. عاصم سعی داشت که محکم ترین و استوارترین قرائت را از طریق صحیح و اطمینان بخش به دست آورد؛

۳. عاصم در میان مردم، معروف و مورد اطمینان بود. هر قرائتی را که فرا می‌گرفت، آن را بر عده‌ای از صحابه و تابعان جلیل‌القدر عرضه می‌داشت و تا به صحت آن قرائت اطمینان کامل پیدا نمی‌کرد، آن را نمی‌پذیرفت (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۲/ ۱۵۲).

تمام ائمه قرائت کوشش کرده‌اند تا اسناد قرائت خود را به عاصم به روایت حفص متصل کنند. ذهبی می‌گوید: «بالاترین چیزی که برای ما به وقوع پیوست، به دست آوردن قرائت قرآن عظیم از طریق عاصم است.» او سپس اسناد خود را متصلاً تا حفص نقل می‌کند که او از عاصم و عاصم از ابو عبدالرحمان سلمی و وی از علی (علیه السلام) و از زر بن حبیش و او از ابن مسعود گرفته و این دو (علی و ابن مسعود) آن را از پیامبر اخذ کرده و پیامبر نیز به واسطه جبرئیل از خداوند گرفته است (ذهبی، معرفة القراء الکبار علی الطبقات والاعصار، بی تا: ۱/ ۷۷).

بررسی رابطه قرائت ابی و قرائت عاصم به روایت حفص

پس از معرفی اجمالی مصحف ابی بن کعب و قرائت حفص از عاصم، در این بخش رابطه این دو قرائت بر اساس شواهد موافق و مخالف این امر بررسی شده است.

۱. تحلیل و ارزیابی شواهد تطابق

یک - اتصال سند قرائت عاصم به ابی بن کعب

یکی از اسناد قرائت عاصم که صحیح‌ترین سندها معرفی شده‌اند، از طریق ابو عبدالرحمن سلمی به ابی بن کعب ختم می‌شود (دانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۴۰۴: ۹) این امر به وضوح نشان از تأثیر قرائت ابی بر قرائت عاصم دارد. علامه معرفت نیز قرائت عاصم را قرائت منتخب تمامی عالمان بزرگ شیعی می‌داند و این امر را ناشی از تطبیق دقیق و کامل قرائت ابی بر قرائت قریش ارزیابی می‌کند (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۲/ ۲۲۴).

اما باید توجه داشت که قرائت عاصم تنها از ابی بن کعب گرفته نشده و همان‌طور که در نمودار ذیل نشان داده شده، صحابه دیگری نیز هم‌چون زید بن ثابت، عبدالله بن مسعود و عثمان بن عفان در قرائت عاصم دخیل بوده‌اند.



نمودار اسناد قرائت عاصم (بهارزاده، روایت حفص از قرائت عامی و دلایل ترجیح آن، ۱۳۹۳: ۸۵)

بنابراین صرف اتصال یکی از اسناد قرائت عاصم به اُبی بن کعب دلیل تطابق کامل این دو قرائت نخواهد بود؛ شاهد این مطلب وجود تفاوت‌های فراوان میان این دو قرائت است که در ادامه نوشتار بیان شده است.

دو - تطابق قرائت‌های اُبی بن کعب و عاصم با قرائت مشهور

دلیل دیگری که ممکن است در اثبات تطابق حداکثری قرائت عاصم با قرائت اُبی بن کعب مطرح شود این است که بنابر شواهد موجود، این دو قرائت با قرائت مشهور مسلمین که از همان زمان رسول خدا وجود داشته تطابق دارند. بنابراین، این دلیل از سه مقدمه و یک نتیجه تشکیل شده است: وجود و استمرار قرائتی مشهور در میان مسلمانان از زمان پیامبر، تطابق قرائت اُبی بن کعب با این قرائت مشهور، تطابق قرائت عاصم با این قرائت مشهور. و در نهایت نتیجه این خواهد بود: تطابق قرائت عاصم با قرائت اُبی بن کعب. در ادامه به بررسی و تبیین این سه مقدمه پرداخته شده است.

الف) وجود و استمرار قرائتی مشهور در میان مسلمانان از زمان پیامبر ﷺ

از برخی روایات به خوبی معلوم می‌گردد که رسول خدا نه تنها قرائت‌های گوناگون را تأیید نمی‌فرمود بلکه در مقابل آن سخت برمی‌آشفته و آنها را مردود می‌دانست. در روایات متعددی از قرائتی سخن گفته شده که قرائت مشهور مسلمانان است؛ با توجه به مطالب یاد شده و هم‌چنین روایاتی که در ادامه می‌آید، می‌توان گفت قرائت مشهور مسلمانان که افراد مختلف دائماً به آن ارجاع داده شده‌اند، همان قرائت رسول الله است. از سوی دیگر، مطالبی که پیش‌تر در بخش معرفی مصحف و قرائت اُبی بن کعب گذشت، نشان می‌دهد که قرائت اُبی در تطابق با قرائت مشهور بوده است.

۱. عبد الله ابن مسعود: «اختلفت رجالان فی سورة، فقال هذا: أقرأنی النبی ﷺ. وقال هذا: أقرأنی النبی ﷺ. فأتی النبی ﷺ فأخبر بذلك، قال فتغیر وجهه، وعنده رجل فقال: اقرأوا کما علمتم - فلا أدری أبشیء أم شیء ابتدعه من قبل نفسه - فإنما أهلك من كان قبلكم اختلاؤهم علی أنبیائهم»؛ «دو نفر که در قرائت قرآن اختلاف داشتند و هر دو قرائت خویش را به رسول خدا ﷺ نسبت می‌دادند، خدمت حضرت رسیدند و موضوع را در میان گذاشتند. حضرت از شدت ناراحتی صورتش تغییر کرد و به آن‌ها فرمود: قرآن را همان‌گونه که یاد گرفتید، بخوانید. چیزی از پیش خود بدعت‌گذاری نکنید که امت‌های پیش از شما در اثر همین بدعت‌گذاری و ناسازگاری با پیامبران خویش نابود شدند» (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۰: ۲۳/۱).

در این روایت دو نکته اساسی مشاهده می‌شود:

نخست آنکه رسول خدا همگان را به یک قرائت رهنمود می‌دهد، همان قرائتی که متداول است و یاد گرفته‌اند. دوم آنکه از قرائت‌های گوناگون پرهیز می‌دهد و اجازه نمی‌دهد قرآن را به بیش از یک قرائت بخوانند. هم‌چنین فرض آن که در زمان رسول خدا چندین قرائت صحیح وجود داشته است و این دو نفر قرائتی غیر آن قرائات مقبول داشته و به آن خاطر منع شده‌اند، منتفی است؛ زیرا دلیلی بر رواج قرائات و متعدد و صحیح در زمان پیامبر وجود ندارد، علاوه بر آنکه این فرض خلاف قاعده اولی وحدت قرائت در زمان رسول الله است.

وقتی قرائت‌های متفاوت غیر معتبر و بر خلاف سیره رسول خدا باشد؛ موضع ائمه علیهم‌السلام نیز همان موضع رسول خدا خواهد بود. آنها نیز نه تنها قرائت‌های گوناگون را تأیید نخواستند نمود، بلکه با آن مقابله نموده و مردم را به قرائت اصلی قرآن ارجاع خواهند داد. وقتی به روایات صادره از ائمه مراجعه می‌شود، آنچه آشکارا از زبان گویای آنها به گوش می‌رسد، مقابله با اختلاف قرائات و رجوع به قرائت مشهور مسلمانان است.

۲. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ الْاِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قَبْلِ الزَّوَاةِ»؛ «قرآن یکی است و از جانب خدای یگانه نازل شده است، اختلاف از جانب روات است» (کلینی، الکافی، ۱۴۲۹: ۴/۶۶۴، ح ۳۵۸۰).

مراد از واحد بودن قرآن، به قرینه ادامه روایت و بحث از روایان و با توجه به امکان وجود معانی متعدد صحیح در یک آیه، و هم‌چنین فضای بحث نمی‌تواند چیزی جز وحدت قرائت صحیح قرآن و لزوم اتباع از قرائت مشهور و مقبول عموم مسلمانان باشد.

۳. روایت از امام صادق علیه‌السلام: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ نَزَلَ الْقُرْآنُ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ فَقَالَ كَذَبُوا أَعْدَاءُ اللَّهِ وَلَكِنَّهُ نَزَلَ عَلَى حَرْفٍ وَاحِدٍ مِنْ عِنْدِ الْوَاحِدِ»؛ «به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم برخی از مردم می‌گویند قرآن بر هفت حرف نازل شده است! فرمود: دشمنان خدا دروغ می‌گویند، قرآن بر یک حرف از سوی خدای یگانه نازل شده است» (همان، ۶۶۵، ح ۳۵۸۱).

در این روایت سخن از نزول قرآن بر هفت حرف است و بر اساس روایات مشهور به «سبعة أحرف» مطرح شده است. امام به شدت با تفکر نزول قرآن بر هفت قرائت مقابله کرده و آن را رد می‌کند و یک قرائت صحیح را ثابت می‌نماید.

۴. در برخی روایات دیگر ضمن این که امام، مخاطب را از قرائت‌های گوناگون پرهیز می‌دهد، آنها را به قرائت متداول و متواتر در نزد مردم ارجاع می‌دهد: «... قرأ رجل علی ابی عبد الله علیه السلام و انا اسمع حروفا من القرآن لیس علی ما یقرؤوها الناس فقال ابو عبد الله علیه السلام: «کف عن هذه القراءة إقرأ كما یقرء الناس»؛ «شخصی در نزد امام صادق علیه السلام قرآن را به نوعی که متداول بین مردم نبوده است، قرائت می‌کند. امام به او می‌فرماید از این قرائت دست بردار و همان گونه که مردم قرائت می‌کنند، بخوان» (کلینی، الکافی، ۱۴۲۹: ۶۷۱/۴، ح ۳۵۹۲). منظور از قرائتی که در روایت به آن اشاره شده است، همان قرائتی است که در دست مردم جریان دارد و آن را از پیامبر به ارث برده‌اند (معرفت، تاریخ قرآن، ۱۳۷۵: ۱۵۲).

۵. در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام به قرائتی که مردم طبق آن آموزش داده شده‌اند، ارجاع داده می‌شویم: «عن الصادق علیه السلام: إقرؤوا كما علّمتم»؛ «همان گونه که مردم قرآن را قرائت می‌کنند قرآن را بخوانید» (کلینی، کافی، ۱۴۲۹: ۶۶۷/۴، ح ۳۵۸۴). این گونه تعبیرات که در سخنان رسول خدا نیز نقل شده بود رهنمود به همان قرائت متداول و مشهور میان مسلمانان است.

ب) تطابق قرائت اُبی بن کعب با قرائت مشهور

در روایتی که ثقة الاسلام کلینی در اصول کافی نقل نموده چنین آمده است: «محمّد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن علی بن الحکم عن عبد الله بن فرقد و المعلى بن خنيس قالاً: کُنّا عند اُبی عبد الله علیه السلام و معنا ربیعة الزّأی، فذكرنا فضل القرآن، فقال اُبو عبد الله علیه السلام: إن کان ابن مسعود لا یقرأ علی قرائتنا، فهو ضالّ، فقال ربیعة: ضالّ؟ قال: نعم ضالّ. ثم قال ابو عبد الله: امّا نحن فنقرأ علی قراءة اُبی»؛ «امام صادق علیه السلام فرمود: اگر ابن مسعود بر خلاف قرائت ما قرائت کند گمراه است. راوی از تعبیر امام تعجب می‌کند که ابن مسعود گمراه باشد. می‌پرسد ابن مسعود گمراه است! امام مجدداً می‌فرماید: آری (اگر به غیر از قرائت ما بخواند، گمراه است) آنگاه می‌فرماید ما بر قرائت اُبی هستیم» (کلینی، کافی، ۱۴۲۹: ۶۷۴/۴، ح ۳۵۹۶).

در این روایت، امام صادق علیه السلام به طور آشکار تنها یک قرائت را تأیید و قرائت‌های دیگر را مردود و تابع آن را گمراه می‌خواند، حتی اگر آن شخص عبدالله بن مسعود باشد! علاوه بر آن، به قرائت صحیح و مشهور نیز اشاره می‌کند؛ آن جا که می‌فرماید: «ما بر یک قرائت هستیم و آن قرائت اُبی است». باید توجه کرد که امام صادق علیه السلام در این سخن در پی بیان گمراهی ابن مسعود نیست، بلکه به قصد بیان میزان اهمیت مطلب می‌فرماید اگر شخصیتی در جایگاه ابن مسعود، که از نویسندگان وحی بوده است، نیز قرائتی غیر از قرائت ما اختیار کند، گمراه خواهد بود.

نکته شایان توجه در این روایت آن است که امام علیه السلام قرائت صحیح و معتبر قرآن را معرفی کرده و آن را منطبق بر قرائت ابی می داند؛ همان قرائتی که خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بر آنند که با توجه به مطالب مطرح شده در مقدمه قبل، همان قرائت مشهور است.

ممکن است گفته شود واژه «ابی» در این روایت را می توان به گونه دیگری نیز معنا نمود، بدین صورت که مراد امام صادق علیه السلام این باشد: «ما بر طبق قرائت پدرم، قرآن را قرائت می کنیم». دلایل این نظر به شرح ذیل است:

۱. اشکالات وارد بر قرائت ابی بن کعب، کمتر از قرائت ابن مسعود نیست، چطور ممکن است امام صادق علیه السلام، قرائت ابی را تایید و قرائت ابن مسعود را تخطئه کند.

۲. امام صادق علیه السلام در آغاز روایت، قرائت خاصی را برای اهل بیت ثابت می کند، (قراءتنا) و اگر مراد از جمله «أما نحن فنقرأ على قراءة أبي»، قرائت ابی بن کعب باشد، لازمه اش این است که یا از آنچه در ابتدا فرموده اعراض کرده باشد و یا اینکه اهل بیت را که از مقام عصمت برخوردارند، تابع قرائت ابی بن کعب بدانند، و این هر دو صحیح نیست. از این رو بهترین راه این است که گفته شود، مراد از جمله «قراءة أبي»، پدر بزرگوار آن حضرت است تا صدر و ذیل روایت مکمل یکدیگر باشند.

اما این برداشت مخدوش است؛ زیرا امام صادق و دیگر معصومان بارها و به تأکید، افراد را به قرائت مشهور و عمومی مسلمانان دعوت می نمایند، حال چگونه ممکن است برای خود قرائتی غیر آن را ثابت نمایند؟! زیرا در آن صورت معصومان بر خلاف آن چه که خود به آن دستور می دهند که فقط یک قرائت، صحیح و معتبر است، قرائتی غیر از قرائت عموم مسلمانان برای خود ثابت می کنند.

دلیل دوم این استدلال نیز کامل نیست؛ بلکه برعکس می توان ارتباط صدر و ذیل روایت را این گونه برقرار کرد که امام ابتدا به قرائت مقبول اشاره می کنند و سپس مصداق خارجی و روشن آن را بیان می فرماید تا مطلب را به نحو اتمّ مشخص نماید.

همچنین تعیین مصداق قرائتی از سوی امام، به منظور راهنمایی افراد به آن قرائت است؛ نه به معنای پیروی معصوم از غیر معصوم. بلکه ابی بن کعب قرائت خود را از رسول الله گرفته بود و او تابع معصوم بوده است. به عبارتی قرائت ابی، قرائتی است که نمایاننده قرائت معصوم (پیامبر) بوده است و استقلالی در این زمینه ندارد تا مستلزم تبعیت معصوم از غیر معصوم باشد.

فیض کاشانی ذیل روایت یاد شده می‌نویسد: مستفاد از حدیث یاد شده این است که قرائت صحیح و موافق قرائت أهل البيت (علیهم‌السلام)، قرائت اُبی بن کعب است. وی هم‌چنین می‌گوید: برخی کلمه (اُبی) به صورت (اُبی) که اب به یاء متکلم اضافه شده باشد، قرائت کرده‌اند، که جدا بعید است (فیض کاشانی، وافی، ۱۴۰۶: ۱۷۷۶/۹).

علامه اصفهانی با تأیید استبعاد فیض می‌نویسد: «روایت معلی (روایت مورد بحث) در جهت نفی یا اثبات قرائتی خاص نیست، بلکه ناظر به لزوم دقت در تطبیق قواعد اعراب بر مقروء است و قرائت اُبی موافق قواعد اعراب بوده است» (فانی اصفهانی، حول القرآن، ۱۴۱۱: ۶۹-۷۰).

ج) تطابق قرائت عاصم با قرائت مشهور

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، وجود کلمات و اصطلاحاتی چون «قراءة العامة»، «قراءة الجمهور»، «قراءة الناس» در هنگام توصیف این قرائت، به قرائت جمهور مردم اشاره می‌کند که بنابر مستندات موجود در کتاب‌های قرن دوم هجری قرائتی عمومی هم‌زمان با دوره پیدایش و شکل‌گیری قرائت سبع و در جایگاهی بالاتر بوده است، زیرا برخی چون کسائی این قرائت را در برخی موارد ملاک خود قرار داده، و یا آن را قرائت برتر دانسته‌اند (حسینی، ایروانی، بررسی تاریخی «قراءة العامة»، ۱۳۹۴: ۲۵).

در غایة النهایة آمده است: «روایت حفص از عاصم، همان قرائت مشهور است که قرائت همه صحابه بوده و همواره در زمان پیامبر و پس از رحلت ایشان تاکنون به عنوان متن قرآن شناخته شده و قرائات مختلف با آن سنجیده شده‌اند» (ذهبی، معرفه القراء الکبار علی طبقات والأعصار، بی تا: ۲۵۴).

به علاوه، تلاش عاصم در تطبیق قرائت خود با قرائت تعداد زیادی از صحابه طبیعتاً سبب هم‌خوانی آن با قرائت مشهور بوده است (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۱۵۲/۲).

بررسی

مراد از قرائت مشهور در این دلیل - همان‌طور که پیش‌تر گفته شد - قرائتی مشهور در میان مسلمانان از زمان خود پیامبر است که امروزه نمی‌توان دقیقاً آن را مشخص نمود، چراکه ما تنها از طریق قرائت خاص عاصم و غیره به قرآن دسترسی داریم. بنابراین، امکان نشان دادن میزان تطابق قرائت اُبی یا عاصم با آن قرائت مشهور به طور مستقیم وجود ندارد؛ اما آنچه آشکارا با همه این شواهد در تضاد است، ۷۵ مورد قرائت شاذ در روایت حفص از عاصم با

قرائت مشهور (ر.ک. جلیلیان؛ زاهدی‌فر، بررسی شخصیت عاصم و متفردات او به روایت حفص، ۱۳۹۵: ۶۹-۷۲) و نیز اختلاف قرائت‌های مصحف ابی با روایت حفص از عاصم است که در ضمن شواهد عدم تطابق ذکر خواهد شد. بنابراین، شواهد مطرح شده در ضمن این دلیل تنها می‌تواند یک تطابق حداکثری میان قرائت ابی و حفص از عاصم را نشان دهد و نه تطابق در همه جزئیات.

۲. تحلیل و ارزیابی شواهد عدم تطابق

یک - تفاوت سوره‌های مصحف ابی بن کعب با مصحف مشهور
ابن ندیم به نقل از فضل بن شاذان و او به نقل از فردی که مصحف ابی را در دهکده‌ای به نام قرية الأنصار نزد محمد بن عبدالملک انصاری دیده بود، ترتیب سوره‌های مصحف ابی را بیان کرده است: «فأوله فاتحة الكتاب البقرة النساء آل عمران الأنعام الأعراف المائدة الذی التبتست وهی یونس الأنفال التوبة هود مريم الشعراء الحج يوسف الكهف النحل الأحزاب بنی اسرائیل الزمر حم تنزیل طه الأنبياء النور المؤمنین حم المؤمن الرعد طسم القصص طس سلیمان الصافات داود سورة ص یس أصحاب الحجر حم عسق الروم الزخرف حم السجدة سورة إبراهیم الملیكة الفتح محمد ﷺ الحديد الطهارة تبارک الفرقان ألم تنزیل نوح الأحقاف ق الرحمن الواقعة الجن النجم نون الحاقة الحشر الممتحنة المرسلات عم يتساءلون الإنسان لأقسم كورت النازعات عبس المطففين ﴿إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ﴾ التین ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ﴾ الحجرات المنافقون الجمعة النبی ﷺ الفجر الملك ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى﴾ ﴿إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ﴾ ﴿وَالشَّمْسُ وَضَحَّاهَا﴾ ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾ الطارق ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ الغاشية عبس وهی أهل الكتاب لم یکن أول ما کان الذین كفروا الصف الضحی ﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ﴾ القارعة التكاثر الخلع ثلاث آیات الجید ست آیات اللهم إیاک نعبد وآخرها بالكفار ملحق اللمز ﴿إِذَا زُلْزِلَتْ﴾ العادیات أصحاب الفیل التین الكوثر القدر الكافرون النصر أبی لهب قریش الصمد الفلق الناس فذلک مائة وستة عشر سورة» (ابن ندیم، الفهرست، ۱۴۱۷: ۴۴-۴۵).

بر اساس ظاهر این فهرست، برخی چنین پنداشته‌اند که سوره‌های مصحف ابی با مصحف عثمانی تفاوت‌هایی دارد از قبیل:

۱. اشتمال بر دو سوره‌ی خلع و خفد که در مصحف مشهور نیست؛
۲. تغییر مکان سوره‌ها مانند انسان و عبس؛

۳. ذکر سوره‌ای به نام «داود» قبل از سوره ص؛

۴. تغییر نام سوره همزه به «لمز» (زنجان، تاریخ قرآن، ۱۴۰۴: ۷۹-۸۳).

در نقد این دیدگاه لازم به ذکر است که این گزارش از سوره‌های مصحف اُبی تنها خبری واحد است که به تنهایی نمی‌تواند اثبات‌کننده این تفاوت‌ها باشد. افزون بر این، این گزارش با توصیف سایر گزارش‌ها از مصحف اُبی در تضاد است؛ برای نمونه سیوطی تنها تفاوتی که در سوره‌های مصحف اُبی را در کتاب الإِتقان گزارش نموده عبارتست از اضافه شدن دو سوره خلع و حقد پس از ۱۱۴ سوره مشهور (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۳۴۹: ۲۲۶/۱) درباره دو سوره خلع و حقد گفته‌اند که اُبی آنان را در قنوت نماز خود می‌خوانده و در مصحف خود آنان را نوشته بود (همان، ۲۰۶). گفته می‌شود این کار اُبی بدان دلیل بود که پیامبر این دعاها را در قنوت خود می‌خوانده است و او به خاطر آنکه این دعاها را فراموش نکند، آنها را در مصحف خود آورده، اما کسانی که پس از او مصحف را دیده‌اند، گمان کرده‌اند که این دعاها از سوره‌های قرآن می‌باشند و لذا مصحف اُبی را دارای صد و شانزده سوره می‌دانسته‌اند (ابن قتیب، تأویل مشکل القرآن، بی تا: ۳۳-۳۴).

اما تغییر مکان برخی سوره‌ها و یا تغییر نام سوره همزه به «لمز» چه بسا در طول فرایند نسخه‌برداری‌های متعدد در طول تاریخ از مصحف اُبی صورت گرفته باشد که نمی‌توان ضرورتاً آن را به نسخه اصلی نسبت داد.

ذکر سوره‌ای به نام «داود» قبل از سوره «ص» نیز تنها یک اشتباه در تفسیر متن فهرست سوره‌هاست. آن چه منطقی‌تر به نظر می‌رسد این است که با سبب ذکر ماجرای حضرت داود در سوره ص، اسم این سوره به صورت «داود ص» ذکر شده، نه اینکه دو سوره باشد (الصعیدی، سور القرآن فی مصحف عثمان و مصحف اُبی بن کعب، ۱۳۶۶: ۵۳۸).

دو - تفاوت‌های قرائت عاصم و اُبی بن کعب

یکی از مهم‌ترین شواهد عدم تطابق قرائت عاصم با قرائت اُبی بن کعب، وجود تفاوت‌های زیاد میان این دو است. هرچند برخی پژوهش‌گران با استناد به حضور اُبی در شورای دوازده نفری نگارش مصحف امام در زمان عثمان و اتصال سند شش تن از قراء سبعة، تمایل دارند اختلاف‌های فراوان میان مصحف اُبی و مصحف رسمی را غیر مستند و یا قابل تأویل بدانند (عبدالصبور، تاریخ قرآن، ۱۴۲۶: ۱۷۸) اما حقیقت این است که کثرت این اختلافات و عدم تصور انگیزه کافی برای جعل این حجم از اخبار مانع از قبول این نظریه است.

در مجموع این تفاوت‌ها را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود که عبارتند از:

الف) تفاوت‌های قرائتی ناشی از ویژگی‌های لهجه‌ای

یکی از وجوه تمایز قرائت ابی با مصحف رسمی، تفاوت‌های ناشی از ویژگی‌های لهجه‌ای است. برای نمونه ابی بن کعب آیهی ﴿سَلِّقُوكُم بِاللِّسِنَةِ حِدَادٌ﴾ (احزاب/ ۱۹) را «سَلِّقُوكُم بِاللِّسِنَةِ حِدَادٌ» خوانده است. همچنین او و ابن مسعود آیه ﴿إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي﴾ (غافر/ ۲۷) را به صورت «إِنِّي عُتُّ بِرَبِّي» قرائت کرده‌اند.

روایت‌های قرائتی این چنینی را که سنت‌های لهجه‌ای تفسیر می‌کنند، در صدر اسلام جایز بوده و بعضی از آنان مانند «سَلِّقُوكُم» مشمول قوانین مجاز آوایی می‌شوند. تفسیر این موارد برای کسی که اندک اطلاعات زبان‌شناسی داشته باشد، آسان می‌نماید؛ با این توضیح که وقتی دو صوت کنار هم قرار بگیرند که یکی مجهور و دیگری مهموس باشد، صورتی که مقدم است (مجهور) از صورتی که متأخر است (مهموس) متأثر شده و ادغام صغیر متقارب صورت می‌گیرد؛ مانند «عُذْتُ» که «عُتُّ» قرائت شده است (عبدالصبور، تاریخ قرآن، ۱۳۲۹: ۱۵۳).

ب) تفاوت‌های قرائتی ناشی از ویژگی تفسیری در مصحف ابی

دسته دوم تفاوت قرائت‌های مصحف ابی با مصحف رسمی ناشی از اعمال تفسیر کلمات و آیات در داخل متن است. این روایت‌ها دو شکل دارند:

۱) قرائاتی که ویژگی غالب برخی از آنها بیان مترادف خالص است، که هدفی تفسیری دارند؛ مانند آنکه ابی ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾ (فاتحه/ ۷) را «وَوَغَيْرِ الضَّالِّينَ»، و ﴿فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ﴾ (نساء/ ۱۲۹) را «فَتَذَرُوهَا كَالْمَسْجُونَةِ» و ﴿وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ﴾ (انفال/ ۲) را «فَزَعَتْ قُلُوبُهُمْ» خوانده است.

۲) قرائاتی که ویژگی عبارت‌های اضافی - بیانی بر آنها غالب است؛ مانند آنکه ابی ﴿فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ (بقره/ ۱۸۴) را با افزودن «مُتَتَابِعَاتٍ» قرائت کرده است: «فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ مُتَتَابِعَاتٍ» و یا ﴿وَالصَّلَاةَ الْوُسْطَى﴾ (بقره/ ۲۳۸) را با افزودن «صَلَاةَ الْعَصْرِ» خوانده است: «وَالصَّلَاةَ الْوُسْطَى - صَلَاةَ الْعَصْرِ». این نوع روایت‌ها در کنار ارزش تفسیری‌شان، گاهی نمایانگر آرای صاحبان آن در برخی مشکلات، موضع‌گیری‌ها و احکام فقهی به شمار می‌آیند، چنان که در تعیین مراد «وَالصَّلَاةَ الْوُسْطَى» قرائت «صَلَاةَ الْعَصْرِ» معنا را روشن کرده و در قرائت «مُتَتَابِعَاتٍ» شرط تتابع روزها در روزه قضا ظاهر می‌شود (عبدالصبور، تاریخ قرآن، ۱۳۲۹: ۱۸۶).

۳) روایت‌هایی که در بردارنده متونی است که گفته می‌شود از قرآن است. این متون به وحی‌های تبیینی باز می‌گردد که به رسول خدا ﷺ نازل می‌شد و حضرت با استفاده از آن‌ها قرآن را به مسلمانان تعلیم می‌داد و تفصیلات آیات را بیان می‌فرمود. به عنوان مثال اُبی و ابن مسعود، آیه ۱۰ سوره واقعه را چنین قرائت کرده‌اند: «وَالسَّابِقُونَ بِالإِيمَانِ بِالنَّبِيِّ فَهُمْ عَلَىٰ ذَرِيَّتِهِ الَّذِينَ اصْطَفَاهُمُ اللَّهُ مِنْ أَصْحَابِهِ وَجَعَلَهُمُ الْمَوَالِي عَلَىٰ غَيْرِهِمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» که به وضوح روشن است اضافات آیه به منظور تطبیق و تفسیر آیه است و یا نمونه دیگر آن چنان که گذشت، ثبت دو دعای خلع و حنف در مصحف اُبی است (همان، ۱۸۴).

این اختلافات ناشی از اضافات عمدی و تحریف آیات توسط این صحابی مشهور نیست، بلکه وی به عنوان صاحب نظر در فهم و تفسیر مراد آیات، نظرات خویش را در مصحف خود اعمال نموده و در بسیاری موارد صرفاً حاشیه‌هایی توضیحی بوده است که ناسخان به اشتباه به درون متن آورده‌اند.

نتیجه

أَبِي بَنِ كَعْبٍ از شاخص‌ترین افراد در زمینه قرائت قرآن کریم به شمار می‌رود. وی در اولین گردآوری قرآن در زمان خلیفه اول، و هم‌چنین در وحدت مصاحف در زمان خلیفه سوم، از جمله ناظرین بر این کار بود که ملاحظات وی، باعث حذف و یا ابقاء می‌گردید. با توجه به مطالب مطرح شده در نوشتار حاضر و با بررسی روایاتی که در این زمینه به چشم می‌خورد، می‌توان گفت که قرائت اُبی بن کعب نه تنها جایگاه والایی در نزد عالمان علم قرائت داشته، بلکه اهل بیت ﷺ شیوه قرائت خود را همان قرائت اُبی بن کعب دانسته‌اند. روایت شش تن از قرائت سبعة در نهایت به قرائت او بازگشت دارد که این امر به وضوح نشان‌گر تأثیر گسترده او بر قرائت مشهور است. اما برای بررسی تطابق قرائت اُبی با قرائت عاصم، در این پژوهش دو دلیل عمده در اثبات تطابق و دو دلیل برای نفی تطابق تبیین و ارزیابی گردید: اتصال سند قرائت عاصم به اُبی و تطابق این دو قرائت با قرائت مشهور مسلمین از زمان پیامبر ﷺ به عنوان دو دلیل اثبات تطابق مطرح و مورد نقد قرار گرفت. در میان ادله نفی تطابق، گزارش‌هایی از تفاوت سوره‌های موجود در مصحف اُبی با مصحف رسمی وجود دارد که قابل نقد سندی و تأویل محتوایی است؛ اما دلیل دوم یعنی وجود اختلاف‌های جزئی فراوان میان مصحف اُبی و قرائت حفص از عاصم با توجه به گزارش‌های متعدد در منابع گوناگون، قابل انکار و یا توجیه نمی‌باشد.

منابع

١. ابن جزرى، محمد بن محمد، النشر فى القرائات العشر، بيروت: دار الكتب العلمية، بى تا.
٢. ابن جزرى، محمد بن محمد، غاية النهاية فى طبقات القراء، تحقيق: ج. برجستراشر، قاهره: مكتبة المتنبى، بى جا، بى تا.
٣. ابن جزرى، محمد بن محمد، منجد المقرئين و مرشد الطالبين، تحقيق: على بن محمد العمران، مكة مكرمه: دار عالم الفوائد، ١٤١٩ق.
٤. ابن جنى، ابوالفتح عثمان، المحتسب فى تبين وجوه شواذ القرائات و الإيضاح عنها، قاهره: وزارت اوقاف، المجلس الأعلى لشئون الإسلامية، ١٤١٤-١٤١٥ق.
٥. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، تهذيب التهذيب، تحقيق: صدقى جميل عطار، بيروت: دارالفكر، ١٤١٥ق.
٦. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، فضائل القرآن، بيروت: مكتبة الهلال، بى جا، ٢٠٠٣ م.
٧. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، لسان الميزان، بيروت: مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، چاپ سوم، ١٤٠٦ م.
٨. ابن خلدون، تاريخ ابن خلدون، بيروت: دار إحياء التراث العربى، چاپ چهارم، بى تا.
٩. ابن خلكان، وفيات الأعيان و أنباء أبناء الزمان، تحقيق: احسان عباس، لبنان: دارالثقافة، بى تا.
١٠. ابن سعد، أبو عبد الله محمد بن سعد بن منيع، الطبقات الكبرى، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٠ق.
١١. ابن شهر آشوب، محمد بن على، مناقب آل أبى طالب عليه السلام، قم: انتشارات علامه، ١٣٧٩ش.
١٢. ابن عبد البر، الاستيعاب، تحقيق: على محمد البجاوى، بيروت: دارالجيل، ١٤١٢ق.
١٣. ابن فارس، معجم مقاييس اللغة، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتب الإعلام الإسلامى، ١٤٠٤ق.

۱۴. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
۱۵. ابن قتیبہ دینوری، عبد الله بن مسلم، تأویل مشکل القرآن، تحقیق: إبراهيم شمس الدين، بیروت: دار الكتب العلمية، بی تا.
۱۶. ابن كثير، البداية و النهاية، تحقیق و تعلیق: علی شیر، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۱۷. ابن مجاهد، احمد بن موسى، کتاب السبعة فی القراءات، تحقیق: شوقي ضيف، قاهره: دار المعارف، چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.
۱۸. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بیروت: دار الصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۹. ابن ندیم، أبو الفرج محمد بن إسحاق، الفهرست، بیروت: دار المعرفة ۱۳۹۸ق.
۲۰. ابو عبید، قاسم بن سلام، فضائل القرآن، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۲۶ق.
۲۱. احمد بن حنبل، مسند أحمد، بیروت: دار الصادر، بی تا.
۲۲. احمدیان نجف آبادی (نجفی)، محمد علی، الصحابة الكرام، تحقیق مرکز علوم و معارف اسلامی، تهران: مرکز إحياء التراث اسلامی، ۱۴۳۷ق.
۲۳. آل عصفور، میرزا محسن، اتحاف الفقهاء فی التحقيق مسألة اختلاف القرائات و القراء، بی جا، بی تا.
۲۴. آلوسی، محمود بن عبد الله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: عبد الباری عطیة، بیروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۰۴ق.
۲۵. امین، سید محسن، أعيان الشيعة، تحقیق: حسن أمیر، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، بی تا.
۲۶. بخاری، ابو عبد الله محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر، بی جا: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۲۷. بهارزاده، پروین، روایت حفص از قرائت عامی و دلایل ترجیح آن، مجله بینات، سال سوم، شماره ۱۲، ۱۳۹۳ ش.

۲۸. تستری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۵ ق.
۲۹. جزری، ابن اثیر، النهاية فی غریب الحديث و الأثر، تحقیق: محمود محمد طناحی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ق.
۳۰. جلیلیان، حمید؛ زاهدی فر، سیفعلی، بررسی شخصیت عاصم و متفردات او به روایت حفص، مطالعات قرائت قرآن، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره ۶.
۳۱. جمعی از نویسندگان، دایرة المعارف صحابه پیامبر اعظم ﷺ، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
۳۲. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بی جا، بی تا.
۳۳. حسینی، بی بی زینب؛ ایروانی، مرتضی، بررسی تاریخی «قراءة العامة» و ارتباط آن با روایت حفص از عاصم، مجله مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش.
۳۴. حویزی، ابن جمعه، نورالثقلین، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ق.
۳۵. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الزهراء، ۱۳۹۵ ق.
۳۶. دانی، عثمان بن سعید، التیسیر فی القراءات السبع، بیروت: دارالکتب العلمی، ۱۴۰۴ م.
۳۷. دمیاطی، أحمد بن محمد بن عبدالغنی، اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الاربعة عشر، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ ق.
۳۸. ذهبی، شمس الدین، تذکرة الحفاظ، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۸ ق.
۳۹. ذهبی، شمس الدین، معرفة القراء الکبار علی الطبقات و الأعصار، تحقیق: محمد سید جادالحق، مصر: دار الکتب الحدیثیة، بی تا.
۴۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
۴۱. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۹ ش.

۴۲. زرکشی، محمدبن بهادر، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: جما حمدی، لبنان: دارالمعرفة، ۱۴۰۸ق.
۴۳. زنجانی، عبدالله، تاریخ قرآن، تهران: منظمة الإعلام الإسلامية، ۱۴۰۴ق.
۴۴. سبزواری، محمود عادل، لغتنامه قرآن کریم، تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۷ق.
۴۵. سجستانی، عبدالله بن سلیمان، مصاحف، تحقیق: محمد عبده، قاهره: الفاروق الحديثة للطباعة و النشر، ۱۴۲۳ق.
۴۶. سیوطی، جلال الدین، الإتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
۴۷. صالح، صبحی، مباحث فی علوم القرآن، قم: منشورات الرضی، چاپ پنجم، ۱۳۷۲ش.
۴۸. الصعیدی، عبدالمتعال، سور القرآن فی مصحف عثمان و مصحف أبی بن کعب، الأزهر، المجلد الثامن عشر، جمادی الثانية ۱۳۶۶ق - العدد ۶.
۴۹. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق: خرسان، محمد باقر، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۵۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: ابوالحسن شعرانی، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، بی تا.
۵۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰ق.
۵۲. طرابلسی، عبدالرزاق بن حمزه، نهایه الغایه فی بعض اسماء رجال القرائات اولی الروایه، بیروت: المكتبة العصریه، ۱۴۳۱ق.
۵۳. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی التفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۳ق.
۵۴. طوسی، محمدبن حسن، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول، قم: ستاره، ۱۴۲۰ق.
۵۵. عبدالصبور، شاهین، تاریخ قرآن، مصر: دار نهضة مصر، ۱۴۲۶ق.

۵۶. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.
۵۷. فاکر میبدی، محمد، اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبائی، مجله قرآن شناخت، سال چهارم، شماره ۲، ۱۳۹۰ ش.
۵۸. فاکر میبدی، محمد، نقد دیدگاه رژی بلاشر در قرائات قرآن، مجموعه مقالات همایش بین المللی قرآن و مستشرقان، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ج ۱، ۱۳۹۱ ش.
۵۹. فانی اصفهانی، سید علی، حول القرآن، بیروت: دار الهادی، ۱۴۱۱ ق.
۶۰. فضلی، عبدالهادی، القرائات القرآنیة، بیروت: دارالقلم، چاپ سوم، ۱۴۰۵ ق.
۶۱. فیض کاشانی (ملا محسن)، محمد محسن بن شاه مرتضی، وافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ۱۴۰۶ ق.
۶۲. قدوری الحمد، غانم، رسم المصحف، عراق: اللجنة الوطنية للإحتفال بمطلع القرن الخامس الهجری، ۱۴۰۲ ق.
۶۳. قسطنی، شهاب الدین، لطائف الإشارات لفنون القرائات، تحقیق و تعلیق: سید عثمان و عبد الصبور شاهین، قاهره: لجنة إحياء التراث الإسلامی، ۱۳۲۹ ق.
۶۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
۶۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، قم: دارالحديث، ۱۴۲۹ ق.
۶۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار الإحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۶۷. محمدی، محمد حسین، تاریخ قرآن، قم: پژوهشگاه بین المللی المصطفی، ۱۳۹۰ ش.
۶۸. المصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.

۶۹. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۷۰. معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، تهران: سمت، ۱۳۷۵ش.
۷۱. نجفی، روح‌الله، کارکرد قرائت ابی‌بن کعب در ترجیح میان قرائت‌های هفتگانه، مطالعات اسلامی، سال چهل و هفتم، شماره پیاپی ۹۴، بهار و تابستان ۱۳۹۴ش.
۷۲. هروی، ابو عبید قاسم بن سلام، فضائل القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ق.
۷۳. واقدی، محمد بن عمر بن واقد، تحقیق: مارسدن جونس، بیروت: دار الأعلمی، ۱۴۰۹ق.
۷۴. یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۴۳ش.